زهرا شجاعی رییس مرکز مشارکت زنان در دولت اصلاحات:

رشد مدیریت زنان در دوره اصلاحات ۶۳درصد بود

رعنا زوره

این روزها حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به‌صورت یک مطالبه جدی از سوی این قشر پیگیری می‌شود و در این بین دولت و کابینه نیز از این امر مستثنا نیست. با روی کار آمدن دولت اصلاحات و حضور سیدمحمد خاتمی در کسوت ریاست‌جمهوری اولین گام مثبت در این راستا برداشته شد و با اقدام شجاعانه و مبتکرانه آقای خاتمی در ورود زهرا شجاعی و معصومه ابتکار به کابینه زمینه برای وزارت زنان و سایر معاونت‌ها در دولت‌های بعدی فراهم شد. این بخشی از اظهارات زهرا شجاعی رییس مرکز امور مشارکت زنان ریاست‌جمهوری در دوران اصلاحات است. شجاعی معتقد است در دوران اصلاحات در مدیریت زنان در عرصه‌های مختلف جامعه رشدی ۶۳درصدی را تجربه کرد. از سوی دیگر شجاعی تاکید دارد در دولت اصلاحات امور زنان به شکل جدی پیگیری شد به‌طوری‌که مسایل از حالت نمادین به حالت نهادین تغییر وضعیت داد و مباحث مرتبط با این قشر وارد برنامه شد و بودجه‌ای درخور را به‌خود اختصاص داد هرچند در دولت بعدی همه این مسایل دستخوش تغییراتی شگرف شد.


عکس: آیدین رهبر، شرق

وضعیت حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی چگونه ارزیابی می‌شود؟

پیروزی انقلاب اسلامی ایران یک تحول و نقطه عطف در تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران و به‌خصوص در راستای مشارکت و نقش زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی است. با نیم‌نگاهی به وضعیت زنان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به‌وضوح مشاهده می‌شود مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در سطوح توده‌ها وسیع و گسترده نبود گرچه در سطح نخبگان به‌صورت نمادین در دولت و مجلس تعداد قابل توجهی از زنان حضور داشتند. به‌این‌معنا که در سطح جامعه میزان شرکت‌کنندگان در مشارکت‌های اجتماعی رتبه پایینی را به خود اختصاص می‌داد. این تفاوت رتبه در حضور فعال در عرصه‌های اجتماعی بیشتر به دلیل وجود تفاوت نگاه حکومت به زن نمونه و شایسته با نگاه جامعه به این مقوله بود. بنابراین فاصله‌ای که بین فرهنگ حکومتی و فرهنگ عمومی جامعه وجود داشت، باعث می‌شد الگوهایی که حکومت ارایه می‌کند مورد استقبال جامعه قرار نگیرد.

این درحالی بود که در همان دوران هم بحث حجاب به‌عنوان یک موضوع مهم مطرح بود به صورتی که بعد از ۱۷دی و جریانات کشف حجاب و در دوره پهلوی‌دوم سیاست بر این بود که با روش و خط‌مشی جدید به‌زعم خودشان زنان را به حدی از رشد اجتماعی برسانند که خود زنان این مانع عقب‌ماندگی (حجاب) را کنار بگذارند. در واقع روش‌های فرهنگی و اجتماعی را جایگزین روش‌های تند و خشونت‌آمیز قرار دادند. در این راستا حکومت محدودیت‌های پنهان غیرمستقیم در جامعه ایجاد کرد تا به قول خودشان این مانع پیشرفت را کنار بگذارند.

در چنین شرایطی بود که برخی علما و بزرگان با تاسیس مراکز آموزشی و مذهبی نقشی مهم را در حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، علمی و سیاسی ایفا کردند. بنابراین در آن دوران زنان به دو گروه زنان متجدد و زنان جامعه سنتی تقسیم شدند بر همین اساس به‌تدریج با نزدیک‌شدن به پیروزی انقلاب اسلامی، نسل جدیدی از زنان باسواد ظهور و بروز پیدا کردند. این زنان با فعالیت روحانیون و علمای آگاه به زمان و همچنین با اشارات امام راحل در تظاهرات و راهپیمایی‌ها شرکت کردند و در ادامه این قبیل فعالیت‌ها نیز به‌صورت فعال در رفراندوم جمهوری‌اسلامی‌ایران حاضر شدند و بر همین اساس بود که با پیروزی انقلاب اسلامی زمینه مشارکت سیاسی زنان نیز شکل گرفت.

البته در این بین نباید از نقش تاثیرگذار و تعیین‌کننده حضرت‌امام(ره) در زمینه‌سازی و رفع موانع برای مشارکت سیاسی زنان غافل شد.

آیا در چنین شرایطی حضور زنان در مناصب دولتی شکل گرفت؟

در این شرایط حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی شکل گرفت اما وقتی به بررسی حضور زنان در مسند قدرت می‌رسیم، مشاهده می‌شود در میان کاندیداهای احراز پست‌های دولتی حضور زنان بسیار کمرنگ و کم‌تعداد است.

در ادامه این روند همچنان همان فضای قبل از انقلاب نسبت به مشارکت زنان در حوزه‌های سیاسی وجود داشت و تنها به یک حداقلی از مشارکت زنان اکتفا شد. شاید در یک ارزیابی دقیق بتوان گفت که قبل از انقلاب مشارکت زنان در سطح نخبگان نسبت به بعد از انقلاب کاهش یافت. این در حالی است که بعد از پیروزی انقلاب مشارکت توده زنان افزایش یافت.

فکر می‌کنید مبدع اصلی حضور زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی و ارکان دولتی کدام دولت یا چه شخصیتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است؟

حضور زنان در عرصه‌های سیاسی یک فرآیند بود که به‌تدریج و به‌مرور زمان رخ داد هرچند در این راستا باید بیشترین نقش را به خود زنان نسبت داد. به این معنا که وقتی زنان با نقش سازنده و تاثیرگذار خود توانمندی‌هایشان را به اثبات رساندند، منجر به تغییر نگرش و دیدگاه‌های جامعه نسبت به این قشر شدند.

اما نقش امام‌راحل در این راستا بسیار تاثیرگذار بود، به‌عنوان مثال وقتی فرماندهی سپاه همدان را به یک خانم واگذار می‌کنند یا در مبحث مرتبط با نامه به گورباچف امام(ره) یک خانم را به‌عنوان نماینده معرفی می‌کنند، نشان‌دهنده بینش و نگرش ایشان نسبت به نقش زنان در جامعه است. این نگرش امام(ره) دربردارنده پیامی مهم به دنیا بود و آن اینکه در نظام جمهوری‌اسلامی زنان دوشادوش مردان فعالیت می‌کنند ضمن اینکه در راستای این نگرش مسوولان و سیاستمداران نظام نیز چنین پیامی را دریافت کردند.

بـه هر رو بعد از گذشت دو دهه از پیروزی انقلاب خانم‌ها در عرصه‌های مختلف به‌صورت فعال حضور داشتند اما کابینه همچنان مردانه بود. تا اینکه جناب آقای خاتمی سد کابینه مردانه را شکست. یعنی جرات، شهامت و جسارتی که آقای خاتمی در انتخاب زنان و دعوت به کابینه از خود نشان دادند، بسیار مهم است، به‌عنوان مثال انتخاب خانم دکتر ابتکار به‌عنوان معاون رییس‌جمهور یک اقدام کارساز یا عضویت من در کابینه نیز بسیار تاثیرگذار بود.

گرچه قدر این کار دانسته نشد و حتی مورد بی‌مهری هم قرار گرفت. در سطح افکار عمومی یک رجحانی بین وزارت و معاونت وجود دارد که بر اساس یک برداشت غلط تصور می‌شود پست وزارت از معاونت بالاتر است.

و به‌نظر می‌آید بر اساس همین برداشت غلط است که مطرح می‌شود آقای احمدی‌نژاد مبدع حضور زنان در کابینه بود چون وزیر زن انتخاب کرده‌اند.

در حالی‌که بر اساس پروتکل‌های سیاسی جایگاه معاون رییس‌جمهور از وزیر بالاتر است، به‌عنوان مثال و بر اساس تعاریف خانم دکتر ابتکار، در اجلاس داووس معاون رییس‌جمهور همزمان با یک وزیر شرکت کرده بودند که تشریفات برای خانم ابتکار به‌عنوان معاون رییس‌جمهور از درجه‌ای بالاتر از وزیر بوده است. به هرحال آقای خاتمی به‌رغم مخالفت‌های شدیدی که با اقدام وی نسبت به انتخاب زنان در کابینه شد، احکام لازم را صادر کردند و بر تصمیم خود استوار باقی ماندند. به یاد دارم حتی در آن مقطع در مخالفت با این اقدام آقای خاتمی مطرح شد که اگر بر این روند پافشاری کنید، اعلام می‌کنیم دولت اسلامی نیست و مردم نباید به این دولت مالیات دهند. بنابراین به‌نظر می‌آید هر عملی را باید در ظرف زمان خود سنجید و یقین دارم اگر اقدام شجاعانه و مبتکرانه آقای خاتمی در ورود شجاعی و ابتکار به کابینه وجود نداشت، زمینه برای وزارت زنان و سایر معاونت‌ها در دولت‌های بعدی فراهم نمی‌شد. قطعا عملکرد مثبت خانم دکتر ابتکار در جایگاهی که داشتند موجب شد که بتوان در دولت‌های بعد نیز این روند را ادامه داد.

اشاره کردید به سپردن یک معاونت و یک ریاست مرکزی به بزرگی امور مشارکت زنان در دوره آقای خاتمی به خانم‌ها، در حال حاضر وقتی به عقب برمی‌گردید، فکر می‌کنید به چه میزان توانستید در امور مرتبط با زنان موفق باشید؟

البته این توضیح لازم است که حضور زنان تنها به یک معاونت و ریاست مرکز امور مشارکت زنان محدود نبود بلکه بعد از آن چهار معاون وزیر زن نیز در دولت اصلاحات مشغول به‌کار شدند ضمن اینکه در سمت مدیرکل نیز تعداد زیادی از بانوان به فعالیت پرداختند. به هر حال این تصمیم آقای خاتمی کم‌کم به دیگر ارکان دولت نیز تسری پیدا کرد و اینها با اصرار و پیگیری شخص آقای خاتمی و دولت انجام شد تا آنجا که رشد مدیریت زنان در دوره اصلاحات ۶۳درصد بود. ضمن اینکه برنامه‌ای تحت عنوان طرح تربیت ۳۰۰ مدیر زن نیز اجرا شد که از این منظر توانستیم با آموزش‌های لازم مدیران توانمندی را تربیت کنیم.

بنابراین رشد ۶۳درصدی مدیریت مرهون عوامل متعددی از جمله آموزش بود. البته مطالبات و خواسته زنان، موفقیت این قشر در عرصه‌های مختلف، افزایش و رشد دانش‌آموختگی نیز در مباحث مدیریتی دخیل بود.

و اما اقدام خاصی که در این مدت در مرکز صورت گرفت؟

با افتخار اعلام می‌کنیم رشد شاخص‌های توسعه انسانی زنان نشان‌دهنده عملکرد مثبت و موفقیت‌آمیز همه دستگاه‌های اجرایی در حوزه زنان در طول هشت‌سال فعالیت دولت اصلاحات بوده است.

و حتی این ادعا نسبت به هشت‌سال بعد از آن هم صدق می‌کند؟

بله، حتی نسبت به هشت‌سال بعد با اینکه به برخی آمار و ارقام‌هایی که بعضا در هشت‌سال بعد از ما ارایه شده، نمی‌توان چندان اتکا کرد.

آنچه در حوزه فعالیت‌های زنان حایزاهمیت است اینکه کارها برعهده یک‌نفر نیست و نقش مرکز امور مشارکت زنان نیز سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و نظارت است و دخالتی در اجرا ندارد. وظیفه اجرای این برنامه‌ها و سیاست‌ها برعهده دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های دیگر است. به هرحال آنچه از برآیند فعالیت‌ها در دولت اصلاحات به‌دست می‌آید، این است که هماهنگی و همکاری و سیاست‌های کلی این دوره موجب این پیشرفت‌ها و نتایج شد.

البته به‌طور مشخص باید گفت مهم‌ترین فعالیت این بود که موضوع زنان وارد برنامه‌ریزی‌های کلان کشور شد یعنی بحث زنان از حالت نمادین به نهادین تبدیل شد.

به‌طوری‌که اگر تا قبل از آن فرهنگ جامعه اقتضا می‌کرد که تنها اشاره‌ای به زنان می‌شد و مسایل به‌صورت سمبلیک مطرح می‌شد، در دوره اصلاحات موضوع زنان به‌شکل جدی در دستور کار قرار گرفت و وارد برنامه‌سوم شد. تا سال ۷۶ امور زنان اصلا ردیف خاصی در بودجه نداشت و از سال ۷۷ هست که به این موضوع ردیف بودجه اختصاص پیدا کرد.

بودجه به چه میزان بود؟

رشد بودجه طی دوران اصلاحات ۳۶۰ برابر بود و به‌طوری‌که هیچ دستگاهی با چنین رشدی روبه‌رو نبود. اما در سال ۷۶ بودجه امور زنان ۴۰میلیون‌تومان بود و سال ۸۴ که مرکز را به دولت بعد تحویل دادیم، بودجه رقم ۲۲میلیاردتومانی داشت.

گفته می‌شود طی هشت‌سال گذشته بودجه مرکز امور مشارکت زنان کم شده است؟

طی هشت‌سال نه. همان سال اول بودجه کم شد یعنی سال ۸۵ این بودجه از ۲۲میلیارد به هشت‌میلیاردتومان تقلیل پیدا کرد.

این بودجه کجا رفت؟

بودجه در قبال یک برنامه مشخص و مدون ارایه می‌شود و چون برنامه‌ای درحد ۲۲میلیارد نبوده است، بنابراین بودجه مرکز را کم کردند.

موضوع مهم دیگری که در دوران اصلاحات برای زنان انجام شد این بود که مسایل زنان و نگاه مطالعاتی به مسایل زنان با سبک و سیاق علمی پیگیری می‌شد این در حالی است که امروزه در دنیا یکی از شاخه‌های مهم دانشگاهی رشته مطالعات زنان است.

آیا در این زمینه موفق بودید؟

ما موفق بودیم اما اجازه ندادند که ادامه پیدا کند. موضوع زنان یک بحث شعاری و سطحی نیست بلکه امور زنان و مطالعات زنان یک رشته علمی است که باید بر اساس نگرش علمی و تحقیقاتی پیگیری شود بر همین اساس رشته مطالعات زنان را در چهار دانشگاه کشور ایجاد کردیم.

بودجه در قبال یک برنامه مشخص و مدون ارایه می‌شود و چون برنامه‌ای درحد ۲۲میلیارد نبوده است، بنابراین بودجه مرکز را کم کردند. موضوع مهم دیگری که در دوران اصلاحات برای زنان انجام شد این بود که مسایل زنان و نگاه مطالعاتی به مسایل زنان با سبک و سیاق علمی پیگیری می‌شد این در حالی است که امروزه در دنیا یکی از شاخه‌های مهم دانشگاهی رشته مطالعات زنان است

پس چرا اینقدر مورد انتقاد و هجمه قرار گرفت؟

برای اینکه نمی‌دانند که این موضوع علم است.

بسیاری مطرح می‌کنند که با نگاهی فمینیستی رشته مطالعات زنان در دانشگاه‌ها پیگیری شد.

چون تعریف علمی از فمینیسم ندارند. به‌هرحال این رشته‌ها به‌وجود آمد و مراکز تحقیقاتی زنان هم در کنار آنها تاسیس شد و ما هم به‌عنوان بانی پیگیر تمام قضایای علمی بودیم و معتقد بودیم که تصمیمات اساسی برای کشور باید مبتنی بر تحقیق و نظر کارشناسی باشد.

رشته مطالعات زنان نوپا بود و آسان‌ترین راه پاک کردن صورت‌مساله بود به‌هرحال می‌توانستیم با آزمون و خطا به‌دنبال اصلاحات در این بخش باشیم.

به‌هرحال به‌نظر می‌آید که همواره یک نوع تقابلی با این نوع پیگیری‌های علمی، پایه‌ای و اساسی در مباحث زنان همواره وجود دارد.

چون نگرش در دولت ۸۴ به بعد این بود که مشارکت زنان کافی است و باید به سمت خانواده رفت. گفته شد که مشارکت کافی است و نه‌تنها کافی است بلکه مضر است. بنابراین باید مقابل رشد رشته مطالعات زنان و تحقیقات در این زمینه گرفته شود.

اصلا یکی از اشتباهات تاریخی و علمی این است که کلمه خانواده را کنار نام زنان بگذاریم. این غلط است اما به‌هرحال نشان‌دهنده یک نگاه و نگرش در دولت است. به‌هرحال ذکر این نکته را لازم می‌دانم که ما در دولت اصلاحات مبتنی بر پژوهش و تحقیق فعالیت کردیم یعنی ابتدا تحقیقات را انجام می‌دادیم بعد به سمت اجرا می‌رفتیم. اما آنچه تاثیرگذار بود همین شاخص‌های توسعه انسانی در حوزه آموزش، بهداشت، ورزش و مدیریت زنان بود که همه نشان از پیشرفت است.

با توجه به تجربیاتی که شما در مرکز امور مشارکت زنان داشتید آیا قایل به این هستید که حوزه زنان به شکل وزارتخانه‌ای مجزا تشکیلات پیدا و فعالیت کند؟

در نظر افکارعمومی اینکه یک رییس‌جمهور وزارت زنان ایجاد کند اقدامی مثبت و مترقی است اما اگر کمی کارشناسانه‌تر بنگریم باید مشخص شود که کیفیت و کمیت فعالیت‌ها برای زنان چگونه است و بعد متناسب با آن گسترش امور را پیگیر شویم. به نظر من کاری که باید در حوزه زنان انجام شود در حوزه سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، نظارت، ارزیابی، حمایت، پشتیبانی و پیگیری است و نه کار اجرایی. این مدل فعالیت‌هایی که مطرح کردم نیازمند یک سازمان چابک و کارآمد با نیروهای متخصص است که البته از جایگاه تشکیلاتی قوی و نافذی برخوردار باشد.

آیا چنین سازمانی می‌تواند درون یک وزارتخانه به‌عنوان مجموعه بالادستی حضور داشته باشد و به ارایه طرح و برنامه برای زیرمجموعه بپردازد؟

من با وزارت زنان مخالفم. چون در تعریف وزارتخانه‌ها چارچوب و موضوع خاصی تعریف می‌شود که باید به پیگیری آن فعالیت‌ها بپردازند. ضمن اینکه معمولا وزارتخانه‌ها حق دخالت در کار یکدیگر را ندارند بنابراین در امور مرتبط با زنان نیازی به وزارتخانه نداریم و تنها با یک معاونت و یک سازمان شبیه محیط‌زیست می‌توان کارها را انجام داد. اگر این نوع سازمان‌ها تبدیل به وزارتخانه شوند ابزار نظارتی خود بر عملکرد وزارتخانه‌های دیگر در حوزه‌های مرتبط را از دست می‌دهند.

برای امور زنان باید یک قانون و منشور مشخص و مدون داشته باشیم و یک سازوکار منسجم ضمن اینکه بودجه مطلوب و نیروی انسانی متخصص را نیز باید به خدمت گرفت. از جهت تشکیلات وجود یک سازمانی که در راس آن معاون رییس‌جمهور در امور زنان حضور داشته باشد مناسب است. چراکه قدرت دخالت، نظارت و ارزیابی معاون رییس‌جمهور بیشتر از وزیر است. بنابراین معاونت بسیار مناسب‌تر است.

حسن دیگر اینکه در مقابل مجلس نیز قرار نمی‌گیرد و کارها و فعالیت‌ها را به نحو مطلوب پیگیری می‌کند. در امور زنان برای بهبود باید برنامه‌ریزی و امور را به شکل مشخص به دستگاه‌های مربوطه ارایه کرد. هدف دستگاه متولی امور زنان آن است که اجازه ندهد هیچ ظلمی به هیچ زنی به‌خاطر زن‌بودنش صورت گیرد. حیطه کار امور زنان باید برای مسوولان امر هم مشخص شود.

در شش‌سال اول دولت گذشته برای متولیان حوزه زنان چنین موضوعی تفهیم نشد. باید مشخص شود که مسوول امور زنان وظیفه برگزاری کلاس‌های جنگ نرم یا مباحث مرتبط با کمیته امداد و... را برعهده ندارد.

شاید چون سطح خود را در مرکز امور مشارکت زنان بالا نمی‌دیدند تنها برخی کارها را اجرا می‌کردند و به‌دنبال برنامه‌ریزی‌های کلان نبودند.

در اصل کاری که می‌توانستند را انجام می‌دادند. ابتدا باید بدانیم که ماموریت اصلی چیست. باید مشخص شود که مسوولیت امور زنان مدیریت و برنامه‌ریزی است نه اجرا.

شما مطرح کردید که موضوع زنان از حالت نمادین به حالت نهادین تبدیل شد، اما جامعه معتقد است که زنان شاید چون هنوز به خودباوری لازم نرسیده‌اند بسیاری از کارها همچنان جنبه سمبلیک دارد. نمونه؛ همین حضور زنان در مجلس است که حتی در حد یک نطق یا اعتراض یا تاثیرگذاری جدی در موضوعی هم فعالیت ندارند. بنابراین فکر می‌کنید این نهادینه‌شدن با این شرایط تا کجا تسری پیدا کرد؟

تنها در برنامه‌ریزی. وقتی می‌گویم نمادین به نهادین تبدیل شد منظور در کل کشور نبوده است. ما در موضوع برنامه‌ریزی قوه‌مجریه این امر را نهادینه کردیم. چنانچه در برنامه چهارم تعداد بندها و اصول درخصوص زنان افزایش یافت. چون عملکرد مثبت برنامه سوم باعث جدی‌شدن این موضوع در برنامه چهارم شد. اما برای نهادینه‌شدن در جامعه زمان زیادی را می‌برد.

با این تجربه‌ای که شما کسب کردید و هشت‌سال در راس امور بودید و هشت‌سال بعد را هم دیده‌اید به نظر شما امروز زن‌ها کجا قرار دارند و چقدر توانسته‌اند خود را به جامعه‌بقبولانند.

تا اینجا از منظر دولت به موضوع زنان نگریستیم. اما از منظر زنان باید دید که زنان چه مطالباتی از حکومت و نظام دارند. زنان ما در مسیرهایی که سقف شیشه‌ای بالای سر نداشتند و موانعی وجود نداشته توانمندی و قابلیت خود را اثبات کرده‌اند. در فعالیت‌های اجتماعی متاسفانه در دولت قبل دیدگاه تهدیدآمیزی نسبت به سازمان‌های غیردولتی زنان وجود داشت و NGOها را تهدید می‌دانستند به‌خصوص طی سال‌های اول دولت نهم و دهم چنین نگاهی وجود داشت و باعث ایجاد محدودیت در فعالیت این تشکل‌ها شد. گرچه آمارهایی که ارایه می‌شود نشان از رشد فزاینده این تشکل‌ها دارد که این با واقعیت تناقض دارد. از سوی دیگر نداشتن یک نگرش و فقدان یک تئوری مشخص درخصوص جایگاه زن از سوی دولت گذشته و نوعی پارادوکس در برخورد با مسایل زنان یک نوع آشفتگی ذهنی برای زنان به‌وجود می‌آورد که تکلیف خود را با دولت نمی‌دانستند.

با افزایش نیروی متخصص زنان و فشارهای اقتصادی که طی این هشت‌سال به جامعه وارد شد، با حجم زیادی از دختران تحصیلکرده دارای تخصص که برحسب آمار امید به زندگی سالم‌تر و آگاه‌تر شده‌اند و البته بیکار نیز هستند مواجه هستیم که این نیرو باید از طرف حکومت جذب شود و به‌عنوان سرمایه در مسیر رشد و تعالی کشور قرار گیرد که اگر چنین نشود باید منتظر بحران باشیم.

انتظارات زنان از دولت آقای روحانی چیست؟

با توجه به اتفاقاتی که در این هشت‌سال رخ داد در حال حاضر بارقه‌های امید و تدبیر در کشور به چشم می‌خورد و زنان جامعه بر اساس برنامه‌هایی که از سوی آقای روحانی مطرح شد به او رای دادند. البته زنان جامعه این درک و شعور سیاسی را دارند که اولویت‌ها را بشناسند. اما زنان ما هم انتظاراتی دارند تا این اتفاقات مطلوب منجر به رفع تبعیض شود. زنان ما فقط به‌دنبال حضور در سطوح بالای مدیریتی نیستند و می‌دانند که با انتصاب زنان به سمت وزارت همه مسایل و مشکلات این قشر حل نمی‌شود. هرچند که در سطوح مختلف زنان حضور دارند و توانستند به دولت ورود پیدا کنند.

از سوی دیگر به نظر می‌آید که برای ریاست مرکز امور مشارکت زنان فردی باید در نظر گرفته شود که دارای تفکر و اندیشه باشد و در عین حال توانایی تصمیم‌گیری، مدیریت و برنامه‌ریزی هم داشته باشد قطعا همه ما زنان کشور از هرکسی که در آن بخش قرار گیرد حمایت می‌کنیم. ما تنها اصرار داریم آنچه که گفته شده را انجام دهند و به وعده‌ها عمل کنند.

ادامه از صفحه ۷

زنان، مشارکت و توسعه

_ آیا مسیر توسعه بدون زنان طی می‌شود؟

- آیا زنان می‌توانند توسعه را تسهیل کنند؟ همچنین توسعه‌یافتگی زنان چه تاثیری بر روند توسعه کشور دارد؟

در بررسی‌های جهانی جهت ارزیابی توسعه‌یافتگی کشورها سه شاخص ثروت انسانی، فیزیکی و طبیعی به‌عنوان شاخص توسعه یا عدم‌توسعه‌یافتگی کشورها در نظر گرفته می‌شود که سهم ثروت‌های انسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بر این اساس به‌رغم اینکه در کشور تعداد دانشجویان دختر از ۳۶درصد در سال ۷۶ به ۶۰درصد در سال ۸۴ و ۵۰درصد در سال ۹۰ رسیده، رشد پوشش تحصیلی دختران تا۹۷درصد و توسعه باسوادی زنان ۸۱درصد است، افزایش شمار دانش‌آموختگان دانشگاهی جویای کار، افزایش فشار برای تغییر پندارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه و تلاش برای ورود در عرصه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری را به دنبال داشته، افزایش تقاضا جهت تحصیل در سطوح عالی و افزایش تقاضا برای ورود به بازار کار از سوی آنان دو مطالبه جدی و عمده زنان در شرایط کنونی است، رشد چشمگیر مشارکت توده‌ای زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی چون انتخابات یکی از شاخص‌های مهم توسعه‌یافتگی سیاسی کشور محسوب می‌شود اما مشارکت زنان نخبه در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها با رشد کندی همراه بوده است، به‌عنوان مثال بعد از گذشت سه دهه سهم نمایندگان زن مجلس که در دوره اول چهار نماینده و در دوره پنجم به ۱۴ نماینده رسید، امروز در دوره نهم تنها ۹ نماینده زن به مجلس راه یافتند. سهم زنان در مدیریت عالی کشور کمتر از دودرصد است بنابراین پایین‌بودن سهم زنان در سطوح عالی تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی به خصوص در مدیریت‌های کلان از مسایل مهم و اساسی مدیریت کشور محسوب می‌شود.



اگرچه در سطح جامعه پذیرش مشارکت زنان در قدرت و تصمیم‌گیری، پذیرش رو به رشدی است، ضرورت دارد دستگاه اجرایی کشور جهت پیشرفت و نهادینه‌سازی امر مشارکت زنان و تحقق عدالت جنسیتی استراتژی روشن و برنامه‌ای جامع داشته باشد و دستگاه‌های ملی به‌عنوان ابزاری برای این تضمین تقویت شوند و این مهم امری است که نباید از آن غفلت کرد.

اگر بپذیریم که نظام جمهوری اسلامی ایران اصل را بر تحقق عدالت اجتماعی برای همه شهروندان بدون در نظرگرفتن جنسیت گذاشته است بدون شک تحقق عدالت جنسیتی به‌عنوان راهکار مهمی در تمام جنبه‌های زندگی، تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، سیاستگذاری، دسترسی به منابع و خدمات، گسترش قدرت انتخاب و برخورداری از منافع در جهت توسعه انسانی به صورت پایدار باید مد نظر متولیان امور قرار گیرد. افزایش مشارکت زنان در جامعه در ادامه توسعه دانایی‌محور است و برای تحقق اهداف ۲۰ساله نظام جمهوری اسلامی افزایش مشارکت نیروی کار زنان و بهره‌گیری از توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های آنان یک ضرورت محسوب می‌شود.

گزارش

در باب میزان اثرگذاری و نقش‌آفرینی زنان در مجالس ایران

این مجلس، مردانه است

نیره بهتری

اینکه زنان در مجلس‌شورای‌اسلامی چه میزان قدرت و تاثیر دارند، موضوعی است که بعد از ماجرای رای‌اعتماد به وزرای روحانی، هرچه بیشتر در محافل پیچید. شاید بر این اساس است که برخی از کارشناسان معتقدند مجلس نهم، بیش از حد مردانه است، فضای مردانه‌ای که به اعتقاد زنان سیاسی، باید شکسته شود.

زنان نماینده در مجلس‌شورای‌اسلامی، قطعا بعد از روز رای‌اعتماد به وزرای روحانی، با چالش تازه‌تری به‌عنوان ضرورت نقش‌آفرینی هرچه‌بیشتر در خانه ملت و بیش از پیش با این سوال مواجه هستند که چرا نقش آنها تاکنون در خانه ملت تا این حد کمرنگ و کم‌تاثیر بوده است.

چه نمایندگان خانم این موضوع را قبول داشته باشند و چه نداشته باشند، اما در هر حال، امروز این سوال در سطح افکارعمومی مطرح است که چرا بانوان مجلس نتوانسته‌اند، در شرایط حاکم بر جو خیلی مردانه مجلس، خودی نشان دهند؟ فراکسیون زنان، چه می‌کند؟ سهمش از طرح‌ها و لوایح چیست؟ و...

رکوردی که از ۱۴ نفر بیشتر نشد!

در حالت کلی، سهم زنان از پارلمان جمهوری اسلامی ایران که از ۳۳۰ شهر کشور که دارای نماینده در مجلس‌شورای‌اسلامی هستند، تاکنون به بیش از ۱۴نفر در یک دوره نرسیده است.

۹ دوره چهارساله از عمر مجلس‌شورای‌اسلامی می‌گذرد و زنان در این ۹ دوره تلاش خود را برای افزایش همجنسان خود در مراکز مهم تصمیم‌گیری و تاثیرگذاری همچون قوه‌مقننه به‌کار گرفتند اما گذر زمان نه‌تنها این سهم را برای بانوان افزایش نداد بلکه در مجلس نهم، سکوت نمایندگان زن صدای همه را درآورد. تا جایی که رییس مجلس نیز درخصوص سکوت نمایندگان زن در جریان رای‌اعتماد وزرای کابینه دولت یازدهم، سخنانی گفته و عذرخواهی کرد که نوبت به آنها نرسیده است. شاید برای افزایش مشارکت و تاثیرگذاری هرچه بیشتر زنان در داخل و خارج از مجلس بود که تشکیل «سازمان زنان» که در راس آن معاون رییس‌جمهور باشد، از سوی رفعت بیات مطرح شد که البته این طرح نیز به فرجام نرسید و در شورایعالی انقلاب فرهنگی، رد شد.

با نگاهی به آمار سینوسی حضور بانوان در مجالس، می‌توان دریافت که هیچ ثباتی در اعتماد مردم برای راهی کردن نمایندگان زن به مجلس و همچنین جایگاه امنی برای بانوان در قوه‌مقننه وجود نداشته است.

بر اساس این آمار در مجلس اول شورای اسلامی، تنها چهار نماینده زن در جمع ۳۲۷نفری وکلای ملت حضور یافتند. مریم بهروزی، گوهرالشریعه دستغیب، عاتقه صدیقی و اعظم طالقانی نمایندگان زن دوره اول مجلس‌شورای‌اسلامی بودند. مجلس دوم با ۲۷۷نفر نیز این سقف شیشه‌ای را برای حضور زنان حفظ کرد و تنها مرضیه دباغ، گوهرالشریعه دستغیب، مریم بهروزی و عاتقه صدیقی را در خود پذیرفت. همچنین در مجلس سوم با ۲۷۸ نفر، نمایندگان زن با همان ترکیب و تعداد قبلی شکل گرفت. در مجلس چهارم با ۲۷۴ نماینده ۹ بانو به قوه‌مقننه راه یافتند. فخرالتاج امیرشقاقی، فاطمه همایون‌مقدم، اختر درخشنده، مریم بهروزی، پروین سلیحی، منیره نوبخت، مرضیه وحیددستجردی، نفیسه فیاض‌بخش و قدسیه سیدی‌علوی ۹ نماینده زن این دوره بودند. مجلس پنجم با ۲۷۴ نفر و ۱۴ نماینده زن رکوردار بود. سهیلا جلودارزاده، فاطمه رمضان‌زاده، نفیسه فیاض‌بخش، فاطمه کروبی، منیره نوبخت، مرضیه وحیددستجردی، فائزه هاشمی، نیره اخوان بیطرف، زهرا پیشگاهی‌فرد، قدسیه سیدی‌علوی، مرضیه صدیقی، شهربانو امانی، مرضیه دباغ و الهه راستگو رکورد زنان مجلس پنجم بودند.

در مجلس ششم با ۲۹۸ نماینده، یک نفر از آمار زنان کم شد و ۱۳ صندلی به زنان اختصاص یافت. سهیلا جلودارزاده، فاطمه حقیقت‌جو، فاطمه راکعی، وحیده علایی طالقانی، جمیله کدیور، الهه کولایی، شهربانو امانی، سیده فاطمه خاتمی، طاهره رضازاده، حمیده عدالت، اکرم مصوری‌منش، اعظم ناصری‌پور و مهرانگیز مروتی نمایندگان زن دوره ششم مجلس بودند.

مجلس هفتم با ۲۸۹ نماینده همین رکورد ۱۳ نفر بانوان را حفظ کرد و با فاطمه آلیا، لاله افتخاری، الهام امین‌زاده، فاطمه رهبر، سهیلا جلودارزاده، نفیسه فیاض‌بخش، فاطمه آجرلو، نیره اخوان، رفعت بیات، هاجر تحریری نیک‌صفت، عشرت شایق، عفت شریعتی و مهرانگیز مروتی کار خود را ادامه داد.

مجلس هشتم با ۲۹۱ نماینده پنج‌صندلی خود را برای بانوان نماینده از دست داد و با هشت‌نفر از جمله فاطمه آلیا، لاله افتخاری، زهره الهیان، فاطمه رهبر، طیبه صفایی، فاطمه آجرلو، نیره اخوان و عفت شریعتی روندی نزولی در طرح‌های حمایتی از بانوان را سپری کرد. همچنین در مجلس نهم با ۲۸۸، یک صندلی به جایگاه زنان در مجلس اضافه شد و با ۹ نماینده کار ادامه پیدا کرد. این در حالی است که ۹ بانوی نماینده در جلسات رای‌اعتماد نتوانستند اعتماد مردم و همجنسان خود را به دست آورند و با موجی از انتقادات مواجه شدند.

میانگین سنی و تحصیلاتی مجلسی‌ها

در طول ادوار مجلس پایین‌ترین سنی که یک نماینده زن به نمایندگی مجلس انتخاب شده، ۲۸ سالگی و بالاترین، ۵۹ سالگی است. بررسی میانگین سن نمایندگان زن دریک جمع‌بندی کلی، دامنه تغییر میانگین‌ها را از رقم ۱۰ سال متجاوز نمی‌بیند.

بررسی وضعیت سطوح تحصیلات نمایندگان زن، حکایت از افزایش قابل‌توجه میزان تحصیلات آنان در دوره‌های آخر نسبت به دوره‌های نخست دارد. همچنین سوابق شغلی و تنوع آن به‌ویژه فعالیت‌های اجرایی با گذشت سال‌ها از پیروزی انقلاب و دوره‌های اول که اغلب راه‌یافتگان زن سوابق آموزشی داشتند، نشان از ورود زنانی دارد که در عرصه‌های مختلف کارآزموده‌تر و صاحب‌نظرتر بوده‌اند. افزایش میزان باسوادی و رشد دانش‌آموختگی زنان که حکایت از ارتقای پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان دارد؛ نیز تغییری مثبت و به لحاظ آماری معنی‌دار، با عامل تعداد فعالان سیاسی را داراست.

نقش حمایت احزاب از بانوان سیاستمدار

گرچه بر اساس قانون اساسی همه مردم حق شرکت در عرصه‌های سیاسی و تصمیم‌گذاری دارند و در انقلاب اسلامی فضای جدیدی برای زنان ایران باز شد که زنان را به‌عنوان هویت‌های انسانی برابر با مردان و همگام با اندیشه‌های نوگرایانه نخبگان می‌داند، اما برخی حصارهای تنگ مانع پذیرش مسوولیت‌های اجتماعی آنها شد که تاکنون تنها در اختیار مردان قرار داشت. با وجود این حضور بانوان در عرصه‌های سیاسی، نشان‌دهنده افزایش خودباوری و ارتقای سطح دانش‌آموختگی و تخصص، علاقه‌مندی به مشارکت در زمینه‌های مختلف تصمیم‌گیری به‌ویژه در سطوح قانونگذاری بوده است؛ بنابراین این روند روبه‌رشد، نمادی از توسعه‌یافتگی به‌خصوص در زمینه شاخص‌های توسعه انسانی در کشورها تلقی می‌شود.

ادامه در صفحه ۹